

رابطه تقوا و برکات آسمانی با تأکید بر آیه ۹۶ سوره اعراف

سمیه شکرینیا^۱

چکیده

مسئله تقوا به عنوان یکی از اهداف پیامبران به معنای پایبندی انسان به پرهیز از گناهان و رذایل و عمل به فضایل و نیکی‌ها و از مباحث مهم اخلاقی است که آثار و فواید فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی بسیاری به همراه دارد. یکی از این آثار نزول برکات آسمانی است که در نتیجه پایبند بودن بسیاری از افراد جامعه به تقوا این برکات شامل حال آنها می‌شود. برای بررسی دقیق‌تر این مسئله نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، مفهوم و مصداقی از تقوا و برکت، ارائه می‌دهد، سپس به تفسیر و مفهوم آیه ۹۶ سوره اعراف که به‌طور مستقیم مطرح‌کننده رابطه میان تقوا و برکات آسمانی است، پرداخته است.

واژگان کلیدی: مصداقی تقوا، مصداقی برکت، برکات آسمانی، آیه ۹۶ سوره اعراف.

۱. مقدمه

تقوا که به معنای دوری و پرهیز از گناه و در درجه بالاتر، ترک برخی از مباحات است یکی از مهمترین مسائل اخلاقی مورد بحث در اسلام است تا جایی که مشتقات این واژه در ۲۳۷ آیه از قرآن کریم مطرح شده است. این مقدار پرداختن به این مسئله نشانگر اهمیت به سزای آن در رسیدن به سعادت و هدایت مدنظر خداوند است. در اهمیت این مهم همین بس که ملاک و معیار ارزش انسان در همین مسئله است همان‌گونه که در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست». رعایت تقوا آثار بسیاری از جمله آثار فردی، اجتماعی و یا دنیوی و اخروی نهادینه شده است. یکی از این آثار که خداوند

^۱ . دانش پژوه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه، پاکستان.

متعال در آیه ۹۶ سوره اعراف از آن یاد کرده است برکات آسمانی است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند [به غذایی سخت] گرفتیم». برکتی که لغت‌شناسان و مفسران، معانی و مصادیقی چند برای آن برشمرده‌اند. یکی از این معانی، خیر ثابت و پایدار است. در زمینه رابطه میان تقوا و برکات آسمانی تحقیقات بسیاری صورت گرفته است، ولی نوشتار حاضر پس از ذکر معانی و مصادیق تقوا و برکت به بررسی بیشتر این مسئله با بیان نظرات گوناگون پیرامون آیه شریفه ۹۶ سوره اعراف در پی جستن رابطه میان تقوا و برکات آسمانی با تأکید بر این آیه مبارکه است.

۲. مفهوم‌شناسی

برای فهم بهتر معنای تقوا و برکت و دریافت رابطه‌ی میان تقوا و برکات، لازم است اندکی در مورد ریشه و معانی گوناگونی که از آن برداشت شده است بحث کرد، بنابراین ابتدا در این باره توضیحاتی آورده خواهد شد.

۲-۱. تقوا

واژه تقوا از ریشه وقی به معنای نگهداری، پرهیز، معلوف (۱۳۹۰، ۲/۲۲۱۹) حفظ و صیانت از نفس در مورد چیزهایی که انسان از آن بیمناک است و در عرف شرع عبارت است از حفظ نفس از آلوده شدن به گناه است که این مهم با ترک منهیات و بعضی از مباحات حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۹۴، ص ۸۵). بر اثر پژوهش‌های انجام شده در آیات و روایات در تعریف تقوا موارد گوناگونی جای‌گرفته است از جمله خشیت و ترس از خدا، عبادت، عدم عصیان یا دوری از گناه، اعتقاد به یکتایی خدا و اخلاص عمل. علاوه بر واژه تقوا واژگان دیگری مانند ایمان، اطاعت، سکینه و ورع به عنوان مترادف این کلمه به کار برده می‌شود و قابل توجه است (ترک‌زاده و امیری، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

۲-۲. برکت

واژه برکت یکی از واژه‌های پراهمیت و پرکاربرد در فرهنگ اسلامی است که در لغت، معانی گوناگونی برای این کلمه در نظر گرفته‌اند از جمله فایده ثابت، نمو، زیادت (قرشی، ۱۳۶۱، ۱/۱۸۹) و واقع شدن خیر و برکت الهی در چیزی (راغب اصفهانی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۶). این واژه به صورت‌های گوناگون در قرآن کریم به کار رفته است که مشتقات آن حدود ۳۲ بار در آیات مختلف با واژه‌های تبارک، بارک، مبارک و برکات آمده است. گوناگونی مشتقات این واژه در این آیات هر کدام بیان‌کننده نوعی از ظرافت معنای آن است. در جایی این واژه در قالب فعل تبارک به کار رفته است. برای نمونه در آیه ۵۴ سوره اعراف: «تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ ثابت و دائم و پریبرکت است خداوند که پروردگار جهانیان است». در مورد معنای واژه تبارک در تفاسیر آمده است که از ماده برکت (برک) به معنی سینه شتر زمانی که برای ثابت ماندن آن را به زمین می‌چسباند به کار می‌رفته است. بعدها این کلمه معنای ثابت ماندن به خود گرفت، سپس به هر نعمت پایدار و بادوام اطلاق شد. بنابراین، سرمایه پریبرکت، زوال ناپذیر و موجود مبارک، موجودی است که آثار آن مدت طولانی برقرار بماند و مبارک‌ترین وجود، وجود خداوند متعال است که مبارک ازل و سرچشمه همه برکات و نیکی‌ها و خیر مستمر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۶/۲۰۸). در نتیجه به‌کارگیری مشتقات فعلی برک، انحصار برکت دائمی به ذات خداوند را می‌رساند و علت به‌کاربردن برکت به صورت جمع برکات نشان‌دهنده کثرت برکت خداوندی است (محمدزاده، گوهری و جانی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

۳. مصادیق تقوا

بعد از بیان کلیاتی در مورد واژه تقوا لازم است تا اندکی مصادیق و مواردی را یادآور شد که پایبندی به آن انسان را باتقوا می‌کند؛ زیرا تقوا سبب نزول برکات و خیرات آسمانی است. براساس آنچه از آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام فراوان رسیده است رعایت موارد بسیاری سبب می‌شود که انسان در زمره متقین قرار گیرد که در نوشتار حاضر به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

- **ایمان به غیب:** براساس آنچه خداوند متعال در آیه ۳ سوره بقره می فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ آنان که به غیب ایمان دارند». ایمان به غیب در کلام مفسرین همان ایمان به خدا، ملائکه، روز قیامت و آخرت، وحی و قضا و قدر است.

- **به پا داشتن نماز:** یکی دیگر از اوصاف متقین برپا داشتن نماز به صورت پنجگانه و با رعایت آداب و شرایط آن است. همان طور که خداوند در آیه ۳ سوره بقره می فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ و نماز را به پا می دارند».

- **انفاق:** در ادامه آیه ۳ سوره بقره خداوند می فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ و از آنچه که روزی آنان کرده ایم (در راه خدا) مصرف می کنند». از مصادیق انفاق در بیان مفسران، این انفاق شامل: انفاق به اهل و عیال، همسایگان، اقربا و افراد مستحق و نیازمند انفاق است. (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ۳/۱)

- **ایمان به قرآن و کتب آسمانی پیشین:** خداوند در آیه ۴ سوره بقره می فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ؛ و کسانی که به آنچه به سوی تو فرودستاده شده و آنچه پیش از تو [بر پیامبران] فرودستاده شده، ایمان می آورند». یکی از ملازمات متقی بودن در این آیه شریفه ایمان به وحی (قرآن) و ایمان به جمیع پیامبران و کتب آسمانی گذشته از قبیل تورات، انجیل، زبور و ... است.

وفای به عهد: اشاره به این ویژگی از متقین در آیه ۱۷۷ سوره بقره آمده است: «وَ الْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا؛ و (کسانی که) چون عهد بستند به عهد خود وفا دارند». که این عهد یا با خلق است یا با خالق و متقین باید متخلق به این ویژگی باشند همان گونه که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «لا دین لمن لا عهد له؛ کسی که وفای به عهد ندارد دین ندارد» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۳۲۵/۱).

- **صبر:** یکی دیگر از صفات متقین که خداوند متعال در ادامه آیه شریفه ۱۷۷ سوره بقره آورده است. خداوند می فرماید: «وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ؛ و در سختی (زندگی) و زیان (جسمی) و به هنگام سختی (جنگ) شکیبایند». این آیه اشاره به سه گونه صبر یعنی، صبر در

شدت و سختی (بأساء) و صبر در زیان‌های وارده بر جسم، مال، آبرو که از آن صبر بر مصائب نیز یاد شده است (ضراء) و صبر در حین بأس که از سویی به مقاومت در جنگ و جهاد و از سویی مقاومت و جهاد با نفس اطلاق می‌شود (طیب، ۱۳۷۸، ۳۱۲/۲).

- **دوری از تفاخر و القاب زشت:** این موارد برگرفته از کلام مفسرین است که با تکیه بر روایات خاصی آیه ۱۳ سوره حجرات را این‌گونه تفسیر کرده‌اند. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا خودنگهدارترین و پارساترین شماست؛ زیرا در آن زمان تفاخر به انساب، اموال و... بسیار بود (بروسوی حقی، قرن ۱۲، ۹۱/۹). بنابراین، همین امر ممکن است موجب عدم اتحاد و ایجاد اختلافات و چنددستگی در میان انسان‌ها شود. در نتیجه جامعه‌ای بدون تعاون و همکاری و فاسد که در آن کسی پایبند موارد اخلاقی باشد، تحقق نخواهد یافت (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۴۰۳/۱۵).

برخی تقوا را دارای مراتب دانسته‌اند: تقوای از عقائد فاسده، تقوای از اخلاق رذیله، تقوای از گناهان کبیره، تقوای از کلیه معاصی (صغیره یا کبیره)، تقوای از اموری که انسان را از عبادات یا از ذکر خدا یا از توجه به خدا بازمی‌دارد. (طیب، ۱۳۷۸، ۳۹۹/۵).

۴. مصادیق برکت

بعد از ذکر مصادیق تقوا لازم است به آثار و فوایدی که رعایت تقوا به دنبال دارد، اشاره کرد. از جمله اینکه آثار و فواید دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی بسیاری برای انسان‌ها دربردارد که آیات فراوانی به ذکر این آثار می‌پردازند از قبیل: تشخیص حق از باطل، بهره‌مندی از تعالیم الهی، نجات از سختی‌ها، آموزش گناهان و رستگاری، قبولی اعمال نزد خداوند، بهره‌مندی از هدایت قرآن، پاداش بزرگ اخروی و بهره‌مندی از روزی و برکات آسمانی و زمینی که تنها بررسی این یک مورد نکات بسیار زیادی را به همراه دارد. (زیرکی، ۱۳۸۵)

برخی مکان‌ها و زمان‌ها: قرآن کریم برخی از مکان‌ها و زمان‌ها را بابرکت خوانده است از جمله سرزمین مکه، سرزمین شام، سرزمین فلسطین، وادی طور که در اینجا برای مثال آیه ۹۶ سوره

آل عمران به مبارک بودن مکه اشاره دارد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد همان است که در سرزمین مکه است که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است». از میان زمان‌ها نیز قرآن کریم به کرات به مبارک بودن شب قدر تصریح کرده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ؛ به راستی ما آن را در شبی پربرکت نازل کردیم».

برخی پدیده‌ها: قرآن کریم علاوه بر بیان مبارک بودن برخی از مکان‌ها و زمان‌ها و اشخاص برخی از پدیده‌ها را نیز مبارک نامیده است از جمله قرآن کریم، کعبه، درخت زیتون، سلام و آب باران. برای مثال مبارک بودن قرآن کریم در آیات گوناگون و از جمله آیه ۱۵۵ سوره انعام آمده است: «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ؛ و این کتابی است پربرکت که ما (بر تو) نازل کردیم». و مبارک بودن آب باران یکی دیگر از این پدیده‌های مبارک است که در آیتی چون آیه ۹ سوره ق که خداوند می‌فرماید: «وَوَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ؛ و از آسمان، آبی پربرکت نازل کردیم و به وسیله آن باغ‌ها و دانه‌هایی را که درو می‌کند، روپانندیم» (محمدزاده، گوهری و جانی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

مفسران نیز برکت را هر چیز دارای خیر کثیر مانند امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد، که انسان با آن مورد آزمایش قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۵۴/۸) برخی نزول باران، روییدن گیاهان، بعضی اجابت دعا و حل مشکلات زندگی، ولی این احتمال نیز وجود دارد که منظور از برکات آسمانی، برکات معنوی و منظور از برکات زمینی، برکات مادی بوده باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۷۰/۶) یا برکت در عمر، دارایی، علم، کتاب و ... (قرائتی، ۱۳۸۳، ۱۲۴/۳). نکته‌ای که در این مسئله مطرح است این است که دو کلیدواژه اساسی یعنی، پایداری و ثبوت و فزونی زیاد از ویژگی‌های امور بابرکت است. از نظر علامه طباطبایی نیز برکت از امور نسبی است و براساس اختلاف غرض‌ها متفاوت می‌شود (اخوی، ۱۳۸۹). به همین دلیل است که تفاسیر در مورد مصادیق برکت متفاوت است. برای داشتن فهم بهتر و دقیق‌تر از برکت بررسی عوامل برکت و بی‌برکتی در زندگی نیز کمک شایانی به مسئله مورد بحث می‌کند. عواملی در این باره از میان آیات

و روایات استخراج شده است مبنی بر اینکه رعایت اموری مانند اطاعت و فرمان برداری از خدا، رعایت عدل و انصاف، نسیه و قرض دادن، راضی بودن به رضای خدا، مدارا کردن با مردم، صدقه دادن، سحرخیزی، قرائت قرآن و موارد بسیار دیگری باعث برکت در زندگی و مواردی مانند دوری از علما، موسیقی، قمار و شراب، قسم خوردن برای فروش کالا، خیانت در شراکت، چاپلوسی، مال حرام، سستی ورزیدن در نماز، اسراف، پرداخت نکردن زکات، ترک امر به معروف و نهی از منکر، نیت های آلوده، کوتاهی در قبال برادران دینی، خشم و غضب خداوند، دشنام دادن، کم فروشی و احتکار و موارد دیگر موجب بی برکتی در زندگی می شود (اخوی، ۱۳۸۹).

۵. نکات تفسیری آیه ۹۶ سوره اعراف

پس از آشنایی با برخی از مصادیق تقوا و برکت نوبت به بررسی آیه ۹۶ سوره اعراف و جست و جوی رابطه میان تقوا و برکات آسمانی در میان نظرات مفسرین در مورد معنای برکت آسمانی و احتمالات موجود در این مسئله می رسد. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند [به عذابی سخت] گرفتیم» (اعراف: ۹۶).

جمله «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا» دلالت دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکت ها ناشی از ایمان و تقوای جمعیت هاست نه ایمان يك نفر و دو نفر از آنها. همان گونه که کفر و فسق جمعیت با ایمان و تقوای چند نفر باز کار خود را می کند. به عبارت دیگر واژه اهل، مضاف واقع شده است برای کلمه قری که تعداد افراد تحت عنوان آن ممکن است متغیر باشد و مضاف الیه واقع شدن کلمه ای همچون قری برای آن به معنای جامعه و گروه انسانی است. (مرادخانی تهرانی، ۱۳۸۶، ص ۵۲) بنابراین، رعایت ایمان و تقوای فردی به تنهایی سبب نزول برکات آسمانی نمی شود بلکه تقوای فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی است که موجب نزول برکات است و تقوا و ایمانی

که منجر به همکاری طبقات مختلف جامعه برای زدودن و حل مشکلات یکدیگر شود و پایبندی به دستورات دینی سبب نزول برکات الهی می‌شود (بهشتی نژاد، ۱۳۹۱، ص ۲۴). قرارگرفتن ایمان و تقوا در کنار هم نکته‌ای است که باید رعایت شود؛ زیرا ایمان بدون تقوا و بالعکس به‌تنهایی کافی نیست. در حقیقت تقوای بدون ایمان ارزشی ندارد و باطل است. مقصود در اینجا همان طور که گفته شد تقوای از عقاید فاسد و یا به تعبیری تقوای از گناهان کبیره است؛ زیرا براساس گفته‌های قرآن کریم گناهان کوچک قابل بخشیدن است.

معاصی و گناهان کسی که ایمان دارد به واسطه توبه، عفو یا مغفرت و شفاعت، بخشیده شود و در نهایت جایگاه شخص بهشت شود درحالی که نقطه مقابل آن (نداشتن ایمان) قابل قبول نیست. بنابراین، داشتن ایمان و تقوا هر دو با هم موجب نزول برکات آسمانی می‌شود. (طیب، ۱۳۷۸، ۵/۳۹۹) عبارت «لَفَتَّحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» استعاره‌ای است از قرارگرفتن برکات به مجرای که نعمت‌های خداوند از این ناحیه جاری می‌شود مانند بارش باران و برف به موقع و به مقدار نافع، گرمی و سردی به موقع هوا که در این حالت‌ها وفور غلات و میوه‌ها تحقق می‌یابد و این امر زمانی صورت می‌گیرد که عمده مردم ایمان به خدا و تقوای الهی پیشه کنند در غیر این صورت نتیجه عکس خواهد داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۸/۲۵۴). مقصود از برکات در این آیه از نگاه مفسران، موارد بسیاری را شامل می‌شود مانند امنیت، علم، عمر، مال و دارایی و موارد بسیار دیگری که از میان آنها باران و یا برف و هرگونه پدیده مفید آسمانی نیز به عنوان مصداق بارزی از برکات آسمانی شناخته می‌شود که با توجه به سیاق و ظاهر آیه، مصداق بارزتری به نظر می‌رسد.

۶. نقش آسمان در نزول برکات

ریزش باران به‌ویژه همین شیوه بارش از بالا فواید بسیاری دارد از جمله بهره‌مندی کوه‌ها، ارتفاعات و تپه‌ها از آن که در نتیجه زراعت زمین افزایش می‌یابد. همچنین قطره‌قطره‌بودن آن موجب حفظ آب در اعماق زمین می‌شود و به‌صورت چشمه بیرون می‌آید. بارش باران، زمین‌ها را آبیاری می‌کند و موجب پرورش گیاهان و درختان و سرسبزی و خرمی می‌شود. از سوی دیگر

موجب فرونشاندن گردوخاک، تعدیل هوای گرم و سرد و در نتیجه محیط زیستی پاک و سالم می شود که فضا برای تنفس انسان تلطیف و ملایم می شود. همچنین با راه انداختن سیلاب ها و نهرها و مهارشدن در پشت سدها، برق، نور و روشنایی و حرکت تولید می کند. (اسماعیلیان، ۱۳۸۴، ص ۷۲)

۷. پاسخ به چند شبهه

حال اگر سؤال شود که علت اینکه گاهی کثرت نزول باران، آفات و صدمات بسیاری به گیاهان و محصولات می زند و آسیب ها، بیماری ها و عفونت هایی را به موجودات از جمله انسان ها وارد می کند، چیست؟ چه پاسخی می توان داد؟ در پاسخ باید گفت به این دلیل است که گاهی بندگان بر اثر وفور مال و نعمت ها دچار معصیت و گناه می شوند خداوند انزجار خود را از این گناهان و معاصی ابراز کرده است و به همین علت آنها را گرفتار این بلایا می کند. (مفضل بن عمر، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹) این موارد برای نشان دادن برکت باران به عنوان یکی از مصادیق برکات آسمانی قابل توجه است. در هر صورت اگر هر کدام از مصادیق برکت که در قسمت های قبل به آن اشاره شد به عنوان برکات آسمانی در نظر گرفته شود و این موارد تنها اختصاص به مؤمنان و مسلمانان نداشته باشد به طوری که کافران و ملت های بی تقوا نیز از این مواهب و نعمت ها برخوردارند و حتی ممکن است در ظاهر بیش از این در اختیار آنان باشد چه پاسخی می توان داد؟

در اینجا لازم است چند نکته را یاد آورد شد:

- براساس تعاریفی که از کلمه برکت ارائه شد ثبات، استمرار و خیر کثیر در معنای برکت نهادینه شده است. بنابراین، آنچه خداوند بر اهل ایمان و تقوا از آسمان اعطا می کند در حقیقت ماندگار، پایدار و دارای خیر فراوان است برخلاف آنچه که برکت در آن نیست و زودگذر و مقطعی و فانی هستند که آنچه در دست کفار و افراد بی تقواست به این صورت است.

- از سویی یکی از نکاتی که در این باره بیان کرده اند این است که آنچه از خیر آسمانی بر اهل ایمان و تقوا داده می شود از آن جهت دارای برکت است که در جهات نیکو و در مسیر سعادت

انسان ها و موارد نیاز بشر به کارگرفته می شود. برخلاف برخی از داشته های کفار که به وسیله آن به تخریب جهان دست می زنند و موجبات ویرانی و ضلالت و نابودی انسان ها را فراهم می کند که البته زودگذر و فانی است.

- از طرفی این تصور که ملت های فاقد ایمان در وفور نعمت قرار دارند تصویری غلط است؛ زیرا جنبه های نقص و کاستی آنها به ویژه در مسائل مهم معنوی و اخلاقی - اعتقادی و روحی و ناامنی های اجتماعی - مالی آنها نادیده گرفته می شود، بنابراین، خلط بین ثروت و خوشبختی تصویری اشتباه است. از سویی علت همان مقدار پیشرفت نسبی مادی آنها نیز عمل کردن و پایبند بودن به عده ای از همان مصادیق تقواست که انبیای الهی در تعالیم خود برای جوامع آوردند که به اندازه تلاششان در این راستا به آن دست یافتند. در اینجا این مطلب نیز قابل یادآوری است که علت ضعف و عقب ماندگی بسیاری از کشورهای اسلامی، نتیجه عدم پایبندی آنها به تعالیم بسیار والای اسلامی است که حاوی برنامه های جامع و مفید در تمام ابعاد زندگی بشر است آنجا که مسلمانان و بشر را به پاکی و درست کاری و امانت و تلاش و کوشش، علم آموزی و آگاهی و اتحاد و فداکاری دعوت می کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۶/۲۶۶)

در رابطه تفاوت ثروت و برکت مثال زیبایی وجود دارد که توجه به آن کمک بیشتری به درک این مسئله می کند و آن اینکه نباید میان مفهوم ثروت و دارایی با برکت و فقر و نداری با بی برکتی خلط کرد؛ زیرا برکت و بی برکتی چیزی فراتر از ثروت و فقر است همان گونه که میان افراد با درآمد بالا مشاهده می شود که با وجود متمکن بودن، سخن از فقر و نداری و کمبود در زندگی خود می زنند چه بسا لفظ بی برکتی را هم در کلام خود به کار می برند و در نقطه متقابل آن، افرادی را هستند که با وجود درآمد پایین، امور زندگیشان به راحتی و بدون کمبود سپری می شود. (اخوی، ۱۳۸۹) نکته قابل توجه دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه گاهی رفاه مادی، قهر الهی است چنانکه قرآن می فرماید: «فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ؛ چون تذکرات الهی را فراموش کردند درهای همه چیز را به رویشان گشودیم تا سرمست شوند». اینجاست که تفاوت میان

نعمت‌های نازل‌شده برای اهل ایمان و تقوا و نعمت‌های نازل‌شده بر غیر اهل ایمان و تقوا مشخص می‌شود؛ زیرا در قرآن کریم دو نوع گشایش برای دو گروه در نظر گرفته شده است: الف) رفاه و گشایش برای اهل ایمان و تقوا که همراه برکات است: «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ» (اعراف: ۹۶).

ب) رفاه و گشایش برای کفار و ناهلان که با برکت همراه نیست: «فَتَحْنَا عَلَيْهِم أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ» (انعام: ۴۴). (قرآنی، ۱۳۸۳، ۱۲۳/۳) در این آیه اعطای نعمات به کفار به تعبیری برای یادآوری آخرت پس از قراردادن آنها در سختی با هدف تربیت آنها به کفار و افراد ناهل است که در حقیقت امتحان آنهاست و پس از نافرمانی آنها با وجود این نعمات فراوان، گرفتن این نعمت‌ها از آنها به یک باره توسط خداوند بسیار سخت‌تر و عذاب‌آورتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۳۶/۵). در ادامه آیه خداوند می‌فرماید: «وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» که اشاره به نقطه مقابل این مسئله است که بی‌تقوایی و بی‌ایمانی سبب از دست دادن نعمت‌ها و عذاب و تبدیل این نعمت‌ها به بلایا می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۶۶/۶).

باید به این نکته توجه داشت که رابطه‌ای تکوینی و فطری میان اعمال انسان اعم از نیک و بد و نظام طبیعت وجود دارد. در واقع این یک سنت الهی است که خداوند متعال در نظام هستی قرار داده است که تمام کائنات و نظام آفرینش به صورت تکوینی به سوی راه راست و مستقیم در حرکت هستند. اگر موجوداتی برخلاف این مسیر گام بردارند باعث ایجاد خلل در این مسیر می‌شوند. در نتیجه با واکنش نامناسب از سوی آن روبه‌رو می‌شوند که سیلاب‌ها، طوفان‌ها، زلزله، عدم بارش باران، عدم نزول برکات، نرویدن گیاهان و بلایای دیگر بخشی از این واکنش‌هاست. (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۱)

۸. نتیجه‌گیری

نتیجه به دست آمده از مجموع مباحث مطرح شده این است که رابطه تنگاتنگی میان تقوا که ایمان به خدا و روز قیامت، انفاق، صبر، وفای به عهد و موارد بسیار دیگر از مصادیق آن به شمار

می‌آید و نزول برکات آسمانی وجود دارد که به دنبال بررسی معنایی و مصداقی این واژه تعابیر زیادی بیان شد. برخی با توجه به معنای برکت که معنای ثبوت و زیاده و استمرار در آن موج می‌زند خیرات الهی را مادی یا معنوی و برخی همان نزول باران که مسبب برکات بسیار زیادی برای جهان طبیعت و در نتیجه انسان هاست، تفسیر کرده‌اند و اذعان می‌کنند که تقوای همگانی یک جامعه منجر به نزول این برکات می‌شود. بنابراین با دقت نظر در تمام موارد یادشده در نوشتار حاضر پاسخ تصور اشتباه در مورد عدم فرق میان رفاه و دارایی و برکت و علت مرفه بودن برخی از افراد که پایبند به ایمان و تقوا نیستند، داده شده است.

فهرست منابع

۱. اخوی، رضا (۱۳۸۳). *عوامل برکت و بی‌برکتی در زندگی*. تهران: مبلغان.
۲. اسماعیلیان، زهرا (۱۳۸۴). *نقش آسمان و زمین در عالم هستی/از دیدگاه قرآن*. قم: حوزه علمیه جامعه الزهرا.
۳. بروسوی حقی، اسماعیل (قرن ۱۲). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دار الفکر.
۴. بهشتی‌نژاد، محسن (۱۳۹۱). *برکت و جهاد اقتصادی*. اصفهان: انتشارات پارس ضیاء.
۵. ترک‌زاده، جعفر، و امیری، مهدی (۱۳۹۷). *تقوا عاملی برای رفتار سازمانی اسلامی*. نشریه پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۲۷(۳)، ۱۷-۴۴.
۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). *تفسیر اثناعشری*. تهران: انتشارات میقات.
۷. حسینی همدانی، سیدمحمد (۱۴۰۴). *انوار درخشان در تفسیر قرآن*. تهران: کتاب‌فروشی لطفی.
۸. حیدری، کمال (۱۳۹۲). *تقوا در قرآن*. تهران: انتشارات سخن.
۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۹۴). *ترجمه مفردات راغب*. مترجم: خداپرست، حسین. قم: نوید اسلام.
۱۰. زیرکی، مهدی (۱۳۸۵). *اثر و برکت تقوا در قرآن*. قم: پاسدار اسلام.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، و موسوی همدانی، محمدباقر (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۲. طب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام.
۱۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۴. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۶۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. کاشفی سبزواری، حسین بن علی (۱۳۶۹). *موهوب علیه*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
۱۶. محمدزاده، رضا، گوهری، عباس، و جانی‌پور، محمد (۱۳۸۸). *بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم*. نشریه مطالعات قرآن و حدیث، ۴(۳)، ۴۱-۶۸.
۱۷. مرادخانی تهرانی، احمد (۱۳۸۶). *سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن*. قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۸. معلوف، لویس (۱۳۹۰). *فرهنگ بزرگ جامع نوین عربی*. مترجم: سیاح، احمد. تهران: انتشارات اسلام.

۱۹. مفضل بن عمر، ابو محمد (۱۳۸۸). توحيد مفضل. تحقيق: فربودي، محمد. مترجم: مجلسی، محمد باقر. قم: بقیه الله.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.